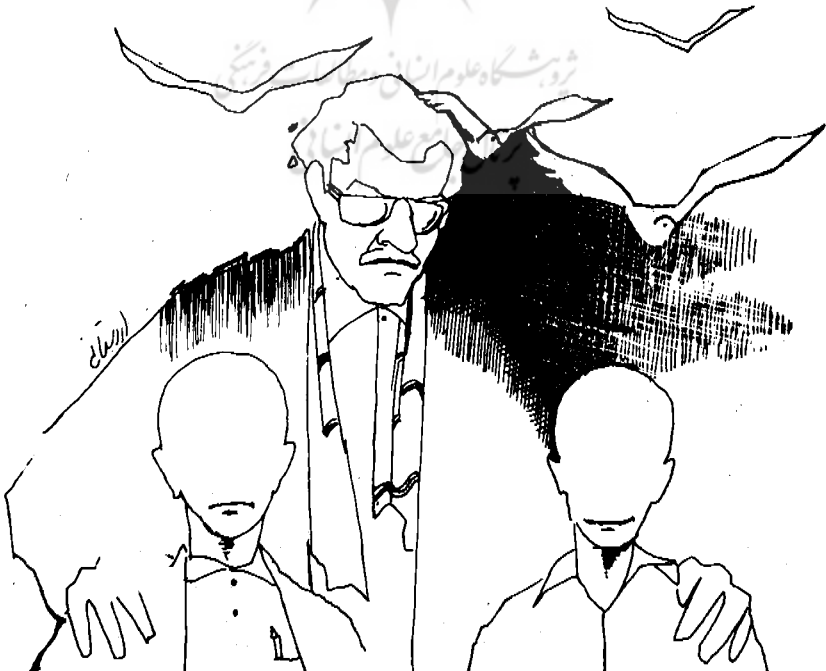


آیا معلمان با شاگردان زرنگ و ساعی
خود همان رفتار و برخوردی را
دارند که با شاگردان ضعیف
کلاس؟

پیشداوری معلم چه تاثیری در
موفقیت یا شکست تحصیلی کودکان
دارد؟

زهرا حجازی



انتظار معلم و پیشرفت تحصیلی شاگرد

معمولا" وقتی در اولین روزهای سال تحصیلی معلم وارد کلاس می شود و در مقابل چشمهای پرسشگر و کنجکاو شاگردان قرار می گیرد سعی میکند با اولین نگاه آنان را ارزیابی کند. اونا حدودی از ظاهر شاگردان، از پاکیزگی و مرتب بودن لباسهای آنان، از ادب و متانتشان و از طرز رفتار آنها سعی میکند آینده تحصیلی آنان را پیش بینی کند. مثلا" با مشاهده شاگرد نامرتبی که تکمه پیراهنش افتاده، دست و صورتش آنطور که باید تمیز نیست، مرتب در جای خود تکان می خورد و حواس سایرین را پرت میکند بخود میگوید: " این بچه نا آرام شاگرد درس خوانی نخواهد شد و چه بسا با او مشکلاتی خواهم داشت ". برعکس با دیدن شاگرد مودب، مرتب و خوش لباسی که ردیف جلو نشسته و با نگاه هشیار و لبخند محبوبانه اش او را براندازی کند به خود میگوید: این یکی احتمالا" از شاگردان درخشان کلاس خواهد بود البته در زنگ تفریح و در ساعات فراغت نیز گاهی معلم آن مدرس را مورد شاگردان باهم صحبت می کنند و به معلم جدید هشدار میدهند که مواظب فلان شاگرد باشد زیرا بچه پردردسری است. یا اینکه فلان شاگرد، ساعی، خودکار و مرتب است و می توان مسئولیتهائی با او سپرد. بدین ترتیب معلم در اولین برخورد با

شاگردانش سعی میکند با پیشداوری خود آینده تحصیلی آنان را مجسم کند و حدس بزند کدام شاگرد موفق و کدام یک ناموفق خواهد بود. البته او ممکن است گاهی در قضاوت خود اشتباه کند اما مناسفانه غالبا" پیش بینی های معلم به حقیقت می پیوندد و همواره شاگردان مودب کنجکاو و مرتب که سر کلاس با دقت به صحبت های معلم گوش می دهند شانس بیشتری برای موفقیت دارند تا کودکان نا آرام، نامرتب و بازیگوش که اکثرا" متعلق به خانواده هائی هستند که از فقر فرهنگی و اقتصادی رنج می برند، این دسته از شاگردان با اینکه در شروع مدرسه ظاهرا" هوش و استعدادی در سطح کودکان دیگر دارند بتدریج از سایر شاگردان کلاس فاصله می گیرند و هر چه سال تحصیلی به پایان خود نزدیکتر می شود این شکاف عمیقتر و عقب افتادگی تحصیلی آنان بیشتر می شود بطوریکه در پایان سال تحصیلی فقط در صدکمی از آنان کارنامه قبولی خود را بدست می گیرند. اگر اتفاقا" با معلم یکی از این شاگردان صحبت کنیم با دلسوزی خواهد گفت " از اول هم معلوم بود قبول نمی شود. اونته تنها بلد نیست چطور سر کلاس گوش بدهد و چطور درس جواب بدهد بلکه اصلا" صحبت معمولی اش هم قابل فهم نیست ".

در ذهن می پروراند موثر باشد.

بسیاری از معلمان ممکن است برای شاگردمنازی که درس پاسخ میدهد بطور ناخود آگاه امتیاز بیشتری قائل شوند. شوخیهای او را باحسن خلق تحمل کنند و اگر در مورد نمرهای اعتراض داشته باشد، به اعتراض او باحسن نیت رسیدگی کنند در حالیکه در مقابل اعتراض شاگرد ضعیف تحمل کمتری از خود نشان میدهند و بهنگام پرسیدن درس، دستپاچی، مکث و اشکال او را در پاسخ به سئوالات ناشی از فرانگرفتن درس بدانند و بانمره بسیار کمی روانه اش کنند، نمرهای بر مراتب کمتر از حق او. بدین ترتیب، با اینکه مابین شاگردانی که متعلق به طبقات مختلف اجتماعی اند اختلاف بارزی از نظر سطح در آمد خانواده، ارزشهای فرهنگی، پیشرفت تحصیلی و غیره وجود دارد اما غالباً این اختلافات با پیشداوری معلم در مورد موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی شاگردان توأم می گردد.

با اینکه هنوز هیچگونه آزمایشی ثابت نکرده که با تغییر یکی از عوامل بالا مثلاً "بالا بردن سطح درآمد خانواده شاگرد بتواند از نظر تحصیلی موفق شود اما تحقیقات متعدد نشان داده است که اگر پیشداوری معلم در مورد شاگردانش تغییر کند رشد ذهنی و در نتیجه وضع تحصیلی کودک بطور محسوسی تغییر خواهد کرد.

دراثبات این فرضیه پرفسور رزنتال *Rosental* یکی از اسنادان تعلیم و تربیت دانشگاه هاروارد به همراه یک گروه تحقیق، یک مدرسه ابتدائی در ناحیه ای پر جمعیت و محروم از شهر نیویورک را زیر نظر قرار دادند و تصمیم گرفتند اثر پیشداوری و انتظار معلم را در پیشرفت تحصیلی شاگردان مورد بررسی قرار

اکثر معلمها عقب افتادگی تحصیلی شاگردان را ناشی از عوامل متعددی می دانند - برخی از آنان فوراً مساله خانواده را پیش می کشند و فقر فرهنگی و اقتصادی را مسئول رفوزگی شاگرد می دانند - بعضی دیگر گناه را به گردن بی استعدادی و ناتوانی ذهنی خود شاگرد یا تنبلی و بازیگوشی او می اندازند. اما بندرت ممکن است به این موضوع فکر کنند که پیشداوری و طرز رفتار خودشان نیز در پیشرفت یا عقب افتادگی تحصیلی شاگردان بسیار موثر است. اگر آنان متوجه می شدند انتظاری که معلم از شاگرد خود دارد غالباً به حقیقت می پیوندد شاید بیشتر در قضاوت خود تردید می کردند.

عقب ماندگی تحصیلی ناشی از چه عواملی است؟

در سالیان اخیر تحقیقات فراوانی در مورد علل عقب افتادگیهای تحصیلی شاگردان بخصوص آنان که محروم از امکانات فرهنگی و اقتصادی اند انجام شده است. اکثر تحقیقات ثابت می دارد که برخلاف آنچه سابقاً تصور میشد تنها خانواده یا شاگرد را نمی توان مسئول شکستهای تحصیلی دانست بلکه مدرسه و عدم تطبیق برنامه های آموزشی با نیازها، علائق و تجربیات قبلی این دسته از کودکان ممکن است از عوامل موثر در عقب ماندگی تحصیلی باشند. یکی از موضوعاتی که در این زمینه توجه متخصصین تعلیم و تربیت و جامعه شناسان را به خود مشغول داشته موضوع پیشداوری و انتظار معلم است و اینکه نظر مثبت یا منفی معلم تا چه حد می تواند در پیشرفت یا عقب افتادگی درسی شاگردان و در تصویری که کودکان از خود

کودکان مورد آزمایش قرار گرفتند .

نتایج آزمایشات اولیه همانطور که پیش‌بینی میشد تکان دهنده بود . رشد هوش و پیشرفت تحصیلی کودکان که به عنوان شاگرد باهوش‌ویبا استعداد کلاس معرفی شده بودند نسبت به سایر شاگردان بسیار چشمگیر بود . این نکته‌نشان دهنده این امر است که هرگاه معلم اعتقاد به هوش و استعداد شاگردی داشته باشد رفتاری با آن شاگرد خواهد داشت که مشوق پیشرفت و موفقیت آن شاگرد خواهد بود . یعنی با توجه بیشتر، سختگیری بیشتر و تشویق بیشتر این شاگرد او رابه کار مرتب تر و بهتر وادار خواهد کرد و امید موفقیت را در دل او بوجود خواهد آورد . بنابراین هرچه معلم انتظار بیشتری از شاگرد خود داشته باشد کار بهتر و منظم تری از شاگرد خود دریافت خواهد کرد در حالیکه اگر از شاگردی قطع امید کند این ناامیدی معلم را شاگرد احساس خواهد کرد و بتدریج اعتماد بنفس خود را از دست خواهد داد و هرگونه تلاش و کوششی را برای موفقیت بیهوده خواهد دانست . بنابراین ناامیدی معلم و انتظار منفی او شاگرد را به کم کاری ، یاس و عقب افتادگی تحصیلی و ایجاد مسائل انضباطی خواهد کشاند و این عوامل منفی به نوبه خود به ناامیدی معلم و انتظار منفی او از شاگرد خواهد افزود .



دهند. اکثر شاگردان این مدرسه را فرزندان کارگران غیر متخصص و یا مهاجران مکزیک‌یی تشکیل می دادند که از نظر تحصیلی کاملاً "عقب مانده محسوب میشدند .

در این مدرسه گروه محققین برنامه ریزی خاصی برای تغییر روشهای آموزشی پیشنهاد کرده و نه تنها با استخدام معلم های اضافی، کار فوق العاده ای روی شاگردان انجام داد بلکه در اول سال همه معلمان مدرسه را جمع کردند و به آنان گفتند که قصد دارند کلیه شاگردان مدرسه را تحت آزمون هوشی و استعداد قرار دهند تا ببینند چند درصد از شاگردان در این سال در مرحله حساسی از شکوفائی و رشد ذهنی فراردارند . در صحبت با معلمان این نکته را مورد بحث قرار دادند که هوش کودکان در مرحله خاصی از زندگی شان تحت تأثیر عواملی چند ناگهان شکوفا می شود و در این مرحله خاص با کمی توجه به شاگرد می توان حداکثر پیشرفت تحصیلی را از او انتظار داشت . بدین ترتیب کلیه شاگردان مدرسه تحت آزمون هوش قرار گرفتند اما نتیجه واقعی این آزمایش هرگز به معلم ها گفته نشد بلکه بیست درصد از شاگردان مدرسه به عنوان کودکانی که در مرحله شکوفائی و حداکثر رشد ذهنی خود هستند به هیجده معلم مدرسه معرفی شدند . نام این کودکان بر حسب تصادف از لابلای سایر نامها بیرون کشیده شده بود و اینان در حقیقت هیچگونه برتری هوش نسبت به سایر شاگردان نداشتند و تنها در ذهن معلمان خود نسبت به سایرین ممتاز بنظر می رسیدند .

سه ماه بعد و سپس در پایان سال تحصیلی از همه شاگردان مدرسه مجدداً "آزمایش هوش به عمل آمد و یکبار دیگر نیز در اواسط سال بعدی

شاگردان ظاهراً " تیز هوش داشتند باعث شد که بطور ناخود آگاه رفتارشان با این کودکان تغییر کند - طرز صحبت آنان، حالات صورت ، حرکات و نوع ارتباطی که با این قبیل کودکان برقرار کردند به شاگردان فهماند که معلم از آنان انتظار پیشرفت و موفقیت دارد .

توجه معلم و خوش بینی او باعث شد، تصویری که این شاگردان از خود در ذهن داشتند بتدریج تغییر کند . تصویری که غالباً با ناامیدی و عدم اعتماد بنفس مکرر شده بود . این کودکان متوجه شدند که پاسخهای صحیح آنان بیشتر مورد توجه قرار می گیرد تا جوابهای نادرست و یا اینکه معلم به هنگام درس دادن با نگاه کردن به آنان و سوال و جواب از آنها انتظار دارد که نقش فعالی در کلاس داشته باشند بنابراین رفته رفته از گوشه انزوا و دنیائی که برای خود ساخته بودند بیرون آمدند و با تلاش و کوشش خود را وارد فعالیتهای کلاس نمودند .

آزمایش هوش و پیشرفت تحصیلی این کودکان یکبار دیگر ثابت نمود که اکثریت کودکان استعداد و توانائی یادگیری دارند و هرگز نباید در مقابل بی توجهی و بیعلاقگی شاگرد، مشاهده نمرات پائین و کمبود پیشرفت تحصیلی او ازوی قطع امید نموده برایش پیش بینی شکست نمود زیرا چنین پیش بینی و قضاوت عجولانه می تواند برای شاگرد و خانواده اش خطرناک ، ویران کننده و دردناک باشد .

محققین نامبرده از معلمان این مدرسه خواستند که به شاگردان کلاس خود نمراتی در مورد کنجاوی ذهنی ، سازگاری شخصی و اجتماعی ، علاقمندی به دروس و مدرسه بدهند . در اینجا هم کودکانی که از آنان انتظار شکوفائی می رفت نمرات بهتری نسبت به سایرین دریافت داشتند .

کدام دسته از شاگردان به پیشرفت خود ادامه دادند .

در آزمایشی که سال بعد روی شاگردان مدرسه انجام شد محققین به این نتیجه رسیدند که بین بیست درصد از شاگردانی که به عنوان شاگردان " تیز هوش " معرفی شده بودند تنها آن دسته به پیشرفت خود ادامه دادند که در کلاسهای بالاتر مدرسه درس میخواندند، در حالیکه کودکان خردسال کلاسهای اول و دوم پیشرفت چندانی از خود نشان ندادند . به عبارت دیگر این کودکان خردسال برای ادامه پیشرفت نیاز به توجه و تشویق مداوم معلم داشتند اما معلم جدید آنان که اطلاعی از چگونگی وضع هوشی آنان نداشت نمی توانست انتظاری در مورد موفقیت و پیشرفت تحصیلی آنان داشته باشد لذا با آنان رفتاری مشابه سایر شاگردان ضعیف و پرمشکل مدرسه اتخاذ کرده بود .

چه عاملی باعث پیشرفت تحصیلی شاگردان شد

توجه معلمان و انتظاری که از این دسته از



حبس ادرار میشود .

به کودک حتی باید اطمینان داد که اگر رختخواب خود را خیس کرد مسالهای نیست تا راحت بخوابد و احساس ترس و اضطراب نکند . برخی از کودکان دیر بخواب میروند و یادچار بد خوابی میشوند تنها بدان خاطرکه ترس دارند بستر خود را خیس کنند و مادریا پدرشان از آنها بازخواست کند . درحالیکه چنین امری زمینه را برای عارضه روانی فراهم میکند .

والدین و مربیان باید بدانند که خیس کردن بستر همهگانه ناشی از بی توجهی کودک به دفع نیست . در مواردی ممکن است ناشی از امراض جسمانی ، آشفتنگی و اضطراب نگرانی روانی و بازگشت به دوران کودکی احساس تنهائی و دل بستگی نسبت به مسائل زندگی باشد و این امر در بین ایتمام و کودکان پرورشگاهی که از مهر و محبت کافی برخوردار نیستند بیشتر رواج دارد .

دوری از اضطراب در دفع

عمل دفع باید با آرامش و اطمینان صورت گیرد نه بگونهای اضطراب آمیز . کودک ضمن اینکه عمل دفع را باید سریعاً انجام دهد و در آن زیاد معطل نشود ، نباید توأم با سرعت و اضطراب و یا ترس و تهدید باشد .

رسول خدا (ص) کودکی را که در آغوش داشت و او سرگرم ادرار کردن شد و دیگران خواستند کودک را با تهدید از آغوش پیامبر بیرون بکشند و رسول خدا اجازه نداد فرمود بگذارید او با آرامش ادرار خود را بکند . لباس من قابل تطهیر است ولی رفع آزردهی روانی طفل به سادگی میسر نیست . اصولاً وجود هراس در دفع خاطرهای بس تلخ و ناگوار در کودک ایجاد میکند که بعدها خود از عوامل

